

رابطه سبک دلبستگی مادران با سازگاری اجتماعی و تحصیلی فرزندان نوجوان*

◆ پریسا سلطانیپور^۱ ◆ دکتر جلیل باباپور خیرالدین^۲ ◆ دکتر زینب خانجانی^۳

چکیده:

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سبک دلبستگی مادران با سازگاری اجتماعی و تحصیلی فرزندان نوجوان دانش آموز انجام شده است. پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری همه نوجوانان دانش آموز دختر و پسر با دامنه سنی ۱۸-۱۴ سال شهر تبریز و همچنین مادران آنها در سال ۱۴۰۰ بود که از میان آنها ۳۶۶ نفر (۲۴۵ دختر و ۱۲۱ پسر) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های سبک دلبستگی بشارت (۱۳۸۴) و سازگاری اجتماعی / تحصیلی سینه ها و سینگ (۱۹۹۸) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان و نرم افزار SPSS20 انجام شد. یافته های پژوهش نشان دادند که: ۱) بین سبک دلبستگی مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد ($p \leq 0/01$)؛ ۲) بین سبک دلبستگی ایمن مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد ($p \leq 0/05$)؛ ۳) بین سبک دلبستگی ناایمن / اجتنابی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد ($p \leq 0/05$)؛ ۴) بین سبک دلبستگی ناایمن / اجتنابی مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد ($p \leq 0/01$)؛ ۵) بین سبک دلبستگی ناایمن / دوسوگرای مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد ($p \leq 0/01$). از مطالب فوق می توان استنتاج کرد مادرانی که سبک دلبستگی ایمن دارند، فرزندان نشان شناخت اجتماعی بالاتر و توانایی بیشتر در حوزه سازگاری اجتماعی و مادرانی که سبک دلبستگی ناایمن دارند، فرزندان نشان توانایی کمتر در دو حوزه سازگاری اجتماعی و تحصیلی دارند. بنابراین نوع طبقه دلبستگی مادران می تواند بر سبک دلبستگی فرزندان و همچنین بر وضعیت رفتاری، هیجانی و اجتماعی فرد در سالهای بعد نقشی مؤثر و بسزا داشته باشد.

کلید واژگان: سبک دلبستگی، سازگاری اجتماعی، سازگاری تحصیلی

© تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۵

© تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۷

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران.

E-mail: Parisasp9324@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: استاد گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران.

E-mail: j-babapour@tabrizu.ac.ir

۳. استاد گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران.

E-mail: dr.khanjaani@gmail.com

■ تابستان ۱۴۰۳ ■ سال بیست و یکم ■ شماره پیاپی ۶۳ ■ شماره ۲

مقدمه

نوجوانی مرحله حیاتی رشد و نمو در چرخه زندگی فرد است. شروع نوجوانی با بلوغ مشخص می شود (برک^۱، ۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۵) و با مجموعه رویدادهای زیستی متشکل از تغییرات جسمانی و هورمونی آغاز می گردد و همچنین با دگرگونیهای اساسی در ساختار و عملکرد مغز همراه است (تن و مارتین^۲، ۲۰۱۵؛ برودریک و جنینگز^۳، ۲۰۱۲) و باعث تحولات عقلی و پیشرفتهای شناختی، تغییرات روانی/هیجانی و دگرگونیهای اخلاقی/اجتماعی می شود (منصور، ۱۳۹۵؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی خانواده در چرخه زندگی خانوادگی نشان می دهد که با رسیدن فرزندان به نوجوانی و دوره بلوغ، در نظام خانواده و خردهنظامهای آن مشکلات و مسائل جدید اتفاق می افتد و والدگری دشوارتر از دوره های تحولی قبل می شود (نولر و کالان^۴، ۲۰۱۵). همچنین مدیریت رفتاری نوجوان و ماهیت والدگری در این دوره متفاوت با دوران تحولی پیشین فرزندان است.

شخصیت اجتماعی نوجوانان یک جامعه از منابع فرهنگی گوناگون مانند نهاد آموزش و پرورش، رسانه های جمعی، خانواده و شبکه دوستان تأثیر می پذیرد. نهاد آموزش و پرورش و رسانه های جمعی تقریباً از فرهنگ یکسان پیروی می کنند، ولی خانواده دارای فرهنگ متفاوت بوده، جایگاه آن نسبت به دیگر نهادها در ساختن شخصیت فرزندان مهم تر است (دروار و همکاران، ۱۳۹۴). از آنجا که خانواده، به ویژه والدین، یک زمینه اصلی برای اجتماعی شدن مهارتهای بیان شده در زمینه های اجتماعی خارج از خانواده است (پارک و اونیل^۵، ۱۹۹۹)، در سالهای اخیر پژوهشگران شروع به بررسی ویژگیهای صریح روابط والدین و فرزندان کرده اند که جنبه های خاصی را از سازگاری در مدرسه و با همسالان ارتقا می بخشد. به طور کلی، روابط نزدیک، گرم، حمایت کننده و پذیرش با سازگاری بهتر در مدرسه (آماتو و فاولر^۶، ۲۰۰۲؛ چن^۷ و همکاران، ۲۰۰۰) و با صلاحیت اجتماعی بیشتر در روابط دوستانه و همسالان مرتبط است (کرنز و استیونز^۸، ۱۹۹۶)، یعنی کیفیت روابط خانوادگی تأثیر چشمگیری بر موفقیت تحصیلی دارد (رایس^۹، ۱۹۲۲؛ ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). درمقابل، درگیری شدید، روابط سرد و غیرحمایتی، مشکلات میان فردی رو به رشد را با گذشت زمان پیش بینی می کند (لد و پتیت^{۱۰}، ۲۰۰۲) و با بی انضباطی و درگیری در گروههای همسالان (لد و پتیت، ۲۰۰۲) و سازگاری ضعیف در مدرسه (آماتو و فاولر، ۲۰۰۲)

1. Berk
2. Tan & Martin
3. Broderick & Jennings
4. Noler & Callan
5. Parke & O'Neil
6. Amato & Fowler
7. Chen
8. Kerns & Stevens
9. Rice
10. Ladd & Pettit

همراه است. اوایل و اواسط نوجوانی دوره‌های مهمی‌اند که در آن می‌توان روابط میان رفتارهای والدین و سازگاری فرزندان را بررسی کرد. این دوره‌های رشد شامل تغییرات اجتماعی، شناختی و بیولوژیکی قابل توجهی‌اند که پایه‌ای برای افزایش استقلال نوجوانان، جهت‌گیری به سمت همسالان و اوقات دور از والدین در خانه، مدرسه و جامعه است (اشتاینبرگ و سیلک^۱، ۲۰۰۲). اگرچه نوجوانان به استقلال و روابط اجتماعی خارج از خانه نیاز بیشتری دارند، اما والدین همچنان نقشی اساسی دارند. همان‌طور که با سیستم‌های اکولوژیکی و نظریه‌های سرمایه اجتماعی شرح داده شده است، والدین نقش اصلی را در تسهیل ارتباط میان خانه و سایر زمینه‌ها مانند مدرسه و جامعه دارند (برونفنبرنر^۲، ۱۹۷۹؛ کلمن^۳، ۱۹۸۸). انسان در جهانی زندگی می‌کند که پیوسته دستخوش تغییر است، هرگونه تغییر در زندگی آدمی خواه خوشایند و خواه ناخوشایند نیاز به سازگاری دارد. سازگاری به معنای این است که فرد اهداف خود را در چارچوب ارزشهای اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای پیگیری کند که بتواند تغییرات مطلوب را برای برخورداری از یک زندگی مناسب خویش و محیطش ایجاد کند. چاهان^۴ (۱۹۹۱)؛ به نقل از کاوندی و صفورایی‌پاریزی، (۱۳۹۱) سازگاری را ارتباط موزون و هماهنگ با محیط می‌داند که توانایی برآورده کردن بسیاری از نیازهای فرد و انطباق با مقتضیات محیط را دربرمی‌گیرد. فلدمن^۵ (۱۹۸۹)؛ به نقل از کاوندی و صفورایی‌پاریزی، (۱۳۹۱) معتقد است سازگاری، کوششی است که افراد برای برآورده ساختن انتظارات و رفع مشکلاتی که در محیط با آنها روبه‌رو می‌شوند، به کار می‌برند. سازگاری دارای ابعاد مختلفی است که یکی از این بعدها سازگاری اجتماعی است. سازگاری اجتماعی در نوجوانان به منزله مهم‌ترین نشانه سلامت روان آنان، از مباحثی است که در دهه اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مربیان را به خود جلب کرده است، زیرا دوره نوجوانی، دوره‌ای حساس است و سازگاری اجتماعی نوجوان در این دوره دستخوش تحولات عاطفی، جسمانی و ذهنی بسیار شدید است که و هنوز به‌طور کامل رشد نیافته است. این دوره، دوره تحولی مهمی است که با مشکلات عمده سازگاری مشخص می‌شود. در سطح اجتماعی نیز شاخصهای سوءمصرف مواد، رفتارهای پرخطر جنسی، بزهکاریها، آمارهای خودکشی و عملکرد ضعیف در مدرسه بیانگر این است که شمار بسیاری از نوجوانان دارای مشکلات سازگاری شدیدند (وایزبرگ و گرینبرگ^۶، ۱۹۹۸).

سازگاری اجتماعی جنبه حیاتی یک زندگی بسیار رضایت‌بخش و باکیفیت است. سازگاری اجتماعی، در رأس سلسله‌مراتب سازگاری است که به منزله میزان دستیابی افراد به اهداف تعیین شده از نظر

1. Steinberg & Silk
2. Bronfenbrenner
3. Coleman
4. Chauhan
5. Feldman
6. Weissberg & Greenberg

اجتماعی و مناسب برای رشد تعریف می‌شود (فورد^۱، ۱۹۸۲؛ زیگلر و تریکت^۲، ۱۹۷۸). مدیریت صحیح و کسب رضایت از زندگی اجتماعی برای رفاه عمومی اساسی است. افرادی که مهارت اجتماعی دارند و سطح بالایی از حمایت اجتماعی را درک می‌کنند، سطح بالایی از سلامت روان‌شناختی (سگرین^۳ و همکاران، ۲۰۱۶)، خطر جنسی کمتر (کارن^۴ و همکاران، ۲۰۲۱) و مشکلات رفتاری کمتر را تجربه می‌کنند (سان^۵ و همکاران، ۲۰۱۳). افراد دارای صلاحیت اجتماعی و نیز روابط شخصی بسیار رضایت‌بخش، رضایت بیشتری از زندگی دارند و آسیب‌پذیری کمتری در بیماریهای مزمن مانند بیماری قلبی عروقی و فشار خون بالا دارند (اومبرسون و مونتز^۶، ۲۰۱۰) و یکپارچگی اجتماعی کم با خطرات جدی بهداشتی از جمله میزان بالاتر مرگ و میر، مشکلات روانی و اقدام به خودکشی ارتباط دارد (هاوس^۷ و همکاران، ۱۹۸۸؛ اومبرسون و مونتز، ۲۰۱۰). با وجود استقلال روزافزون نوجوانان، همچنان والدین در سازگاری اجتماعی و عاطفی آنها نقشی مهم دارند (بوغنشneider^۸ و همکاران، ۱۹۹۸؛ پارک و لد^۹، ۱۹۹۲). بعد دیگر سازگاری، سازگاری تحصیلی است. سازگاری تحصیلی رفتاری سازگاران است که دانش‌آموزان در محیط مدرسه و طی دوران تحصیل از خود نشان می‌دهند. سازگاری تحصیلی جریانی است که در آن فرد برای وفق دادن خود با فشارهای درونی و ملزومات بیرونی کاهش و کوشش به خرج می‌دهد (رید-ویکتور^{۱۰}، ۲۰۰۴). بنابر نظر گردس و مالینکرات^{۱۱} (۱۹۹۴)؛ به نقل از خالدی‌جمع، ۱۴۰۲) مفهوم وسیع سازگاری تحصیلی مشتمل بر چیزی غیر از صرف توان بالقوه تحصیلی دانش‌آموزان است. روسر^{۱۲} و همکاران (۱۹۹۸) بیان کرده‌اند دانش‌آموزانی که در سازگاری تحصیلی با اشکال روبه‌رو می‌شوند، این مشکل غالباً در سایر ابعاد نیز تظاهر می‌کند. بیکر و سیریک^{۱۳} (۱۹۸۴) از مواردی به عنوان برخی مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی از جمله انگیزه برای یادگیری، انجام دادن اعمالی برای برآورده کردن الزامات و نیازهای تحصیلی، درک واضحی از هدف تحصیلی و رضایت کلی از محیط تحصیلی یاد کرده‌اند. بلوم^{۱۴} (۱۹۹۵)؛ به نقل از شجری و حجازی، ۱۳۹۸) معتقد است هنگامی که محیط آموزشی شرايطی را فراهم کند که دانش‌آموز تجارب موافقی از شایستگی خود بروز دهد و در سنوات بعد نیز همین تجارب موفقیت‌آمیز تکرار شود، نوعی

1. Ford
2. Ziegler & Trickett
3. Segrin
4. Curran
5. Sun
6. Umberson & Montes
7. House
8. Bogenschneider
9. Parke & Ladd
10. Reed-Victor
11. Gerdes & Mallinckrodt
12. Roeser
13. Baker & Siryk
14. Bloom

مصونیت در برابر مشکلات عاطفی و روانی برای مدتی نامحدود در فرد ایجاد می‌شود. چنین فردی قادر خواهد بود که به راحتی بر فشارها و بحرانهای محیط غلبه کند و به سطح بالایی از سازگاری تحصیلی دست یابد. آنچه در سازگاری تحصیلی مورد توجه است، تسلط فرد بر محیط، مدرسه و احساس کنار آمدن با خودش است. به عبارت دقیق‌تر، فرد باید بتواند موانع طبیعی را شناسایی و برای دستیابی به اهداف خود آنها را حذف کند و محیط خود را به شیوه‌ای نو سازماندهی کند و همچنین با مسائل منفی درون خود که او را از اهدافش منحرف می‌کند، سازگاری کند.

در سالهای اخیر مشخص شده که دلبستگی والدین روی شناخت اجتماعی کودکان، تشخیص مشکلات واضح و تهیه یک برنامه مدیرانه مقابله‌ای با احساس درماندگی در خود و دیگران تأثیر می‌گذارد (خانجانی، ۱۳۹۴). دلبستگی امن اولیه، با تسلط تکلیفی بیشتر (بامرند، ۱۹۷۱) و پیشرفت تحصیلی بیشتر (استرادا^۱ و همکاران، ۱۹۸۷) نیز رابطه دارد (شرودر و گوردون^۲، ۲۰۰۲؛ ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۴). دلبستگی پیوند یا گره هیجانی پایدار بین دو فرد است به‌طوری که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به‌گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (خانجانی، ۱۳۹۴). بالبی (۱۹۶۹) معتقد است که این گره‌های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک می‌انجامد، نخستین تجلیات دلبستگی محسوب می‌شوند. بالبی در تأکید بر اهمیت ارتباط مادر و کودک معتقد است که آنچه برای سلامت روانی کودک ضروری است، تجربه یک ارتباط گرم، صمیمی و مداوم با مادر یا جانشین دائم اوست. کراول و فلدمن^۳ (۱۹۸۸) تأکید می‌کنند که تجسمات ذهنی انگاره‌هایی از نقشهای والدینی و نیز نقشهای فرزندی است. بنابراین یک زن نقش مادری را از مادر خود یاد گرفته است، از این رو در نقش یک والد تمایل دارد که در نقش مادری همان تجارب دوران کودکی خود را با فرزند خود تکرار کند، به‌طوری که نوعی همسویی میان سبک دلبستگی (مادر - کودک) مشاهده می‌شود. حتی نوع طبقه دلبستگی در دوران کودکی بر وضعیت رفتاری، هیجانی و اجتماعی فرد در سالهای بعدی و اینکه چگونه سبک دلبستگی در طول زمان باقی مانده و بر تحول بعدی تأثیر می‌گذارد (خانجانی، ۱۳۹۴).

پیشینه تجربی پژوهش

از جمله پژوهشهایی که در این زمینه صورت گرفته‌اند عبارت‌اند از: جیان بین لی^۴ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی توصیفی که روی ۴۲۵ مادر و نوجوان چینی با روش نمونه‌گیری در دسترس در چین انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافته‌اند که دلبستگی نوجوانان به مادر ارتباط میان سبک دلبستگی ایمن

1. Estrada

2. Schroeder & Gordon

3. Crowell & Feldman

4. Li

مادران و سازگاری روانی- اجتماعی نوجوانان را واسطه قرار می‌دهد. کنی و دونالدسون^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی توصیفی که روی ۱۷۳ نفر از دانشجویان دختر و پسر با نمونه‌گیری تصادفی در دانشگاه بوستون انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافته‌اند که ویژگیهای فرضی دلبستگی ناامن و دو بعد از ساختار خانواده ناسازگار- درگیری زناشویی والدین و اضطراب خانوادگی درک‌شده در مورد جدایی، با مشکلات در شایستگی اجتماعی و وجود علائم روان‌شناختی همراه بود. کارن و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی توصیفی که روی ۲۲۹ مادر- کودک با روش نمونه‌گیری در دسترس انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافته‌اند که تأثیرات غیرمستقیم قابل توجهی میان دلبستگی ایمن و آشفته مادر با مهارت‌های اجتماعی کودک از طریق مهارت‌های اجتماعی مادر وجود دارد. حیدری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی توصیفی که روی ۲۲۲ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام داده‌اند به این نتیجه دست یافته‌اند که سبک فرزندپروری مقتدر و سبک دلبستگی ایمن به صورت مثبت و سبک دلبستگی ناایمن به صورت منفی قادر به پیش‌بینی سازگاری دانش‌آموزان با مدرسه‌اند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده الگوی انعکاسی کیفیت روابط والد- فرزند در سایر روابط اجتماعی به‌ویژه در ارتباط با مدرسه است.

چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش

براساس نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۶۹) و دیدگاه استرادا و همکاران (۱۹۸۷) و نیز برخی از یافته‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱) بین سبک دلبستگی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد. ۲) بین سبک دلبستگی مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به مطالب بیان‌شده در پژوهش‌های فوق، رابطه سبک دلبستگی نوجوانان با سازگاری اجتماعی یا تحصیلی آنها و یا سبک دلبستگی مادران با شایستگی و مهارت اجتماعی بررسی شده است. هدف از این پژوهش که سبب وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های فوق می‌شود بررسی رابطه میان سبک دلبستگی مادر با سازگاری اجتماعی و تحصیلی فرزندان نوجوان است که این سه متغیر را باهم بررسی کرده است و سبب مشخص شدن اهمیت این مسئله و ارتقای دانش موجود در این زمینه می‌شود و همچنین موجب برجسته‌تر شدن اهمیت سلامت روان‌شناختی مادر در فرزندپروری و در نتیجه سلامت روانی/ اجتماعی فرزندان می‌شود. در ضمن، از آنجا که پژوهش‌های کمتری در این زمینه صورت گرفته است که در آن این متغیرها را با هم بررسی کنند، پژوهش حاضر می‌تواند پژوهش‌های پیشین را به چالش کشیده و خلأهای تحقیقاتی را پر کند. با توجه به نکات فوق، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال بود که آیا بین سبک دلبستگی مادران و سازگاری اجتماعی و تحصیلی فرزندان نوجوان رابطه وجود دارد؟

1. Kenny & Donaldson

روش پژوهش

با توجه به اهداف، فرضیه و ماهیت مطالعه، طرح پژوهشی حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و شیوه اعتبار تحقیق (پایایی) به روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. جامعه آماری شامل نوجوانان دانش آموز دختر و پسر با دامنه سنی ۱۸-۱۴ سال (۲۴۵ دختر و ۱۲۱ پسر) همچنین مادران آنها در شهر تبریز بودند. حجم جامعه، براساس سرشماری سال ۹۶-۹۵ تعیین شده است که تعداد کل نوجوانان دانش آموز با دامنه سنی (۱۸-۱۴ سال) تقریباً ۹۷۳۷۹ نفر بوده است. از جامعه یادشده با توجه به هدف پژوهش و براساس جدول مورگان - کرجسی، ۳۶۶ نفر (دختر و پسر) با روش نمونه گیری در دسترس و با رعایت معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند. معیارهای ورود عبارت بودند از: نوجوانان دختر و پسر (۱۸-۱۴ سال) و مادرانشان، ساکن بودن در شهر تبریز و معیار خروج عبارت بود از: عدم رضایت به شرکت کردن در مطالعه. پژوهش روی نمونه های مورد نظر اجرا شده است.

ابزار سنجش

۱. پرسشنامه سبک دلېستګی بزرگسالان بشارت (AAI): سنجش سبک دلېستګی بزرگسالان از طریق مقیاس سبک دلېستګی بزرگسالان بشارت انجام شده است. مقیاس دلېستګی بزرگسال با به کارگیری مواد آزمون دلېستګیهای زن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (بشارت ۱۳۸۴). این مقیاس یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سبک دلېستګی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵) می سنجد. ابتدا نمره هر گزینه مشخص می شود: خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵. سپس نمره هر یک از زیرمقیاسهای سه گانه شامل (۱) سبک دلېستګی ایمن، (۲) سبک دلېستګی اجتنابی، (۳) سبک دلېستګی دوسوگرا (اضطرابی)، با جمع نمره های پنج ماده هر زیرمقیاس محاسبه می شود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسشهای زیرمقیاسهای ایمنی، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ($n=1480$; دختر: ۸۶۰، پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۵، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳ و ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ محاسبه شده که نشانه همسانی درونی مقیاس دلېستګی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی در مورد سبکهای دلېستګی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۳ محاسبه شده که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. ۱۵ نفر از متخصصان روانشناسی با سنجش ضریب همبستگی روایی محتوایی مقیاسهای این پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند. ضرایب توافق کندانال برای سبکهای دلېستګی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۵۷، -۰/۶۱ و ۰/۸۰ محاسبه شده است.

۲. پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان سینه‌ها و سینگ (AISS): پرسشنامه سینه‌ها و سینگ^۱

(۱۹۹۳) سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی را بررسی می‌کند و در صدد است تا دانش‌آموزان دبیرستانی (گروه سنی ۱۸-۱۴ سال) با سازگاری خوب را از دانش‌آموزانی با سازگاری ضعیف در سه حوزه عاطفی، اجتماعی و آموزشی جدا سازد. فرم نهایی این پرسشنامه ۶۰ سؤالی است (برای هر حوزه ۲۰ سؤال). حوزه‌های مورد بررسی عبارت‌اند از: ۱. سازگاری عاطفی: نمره بالا نشان‌دهنده بی‌ثباتی عاطفی و نمره پایین، نشانگر ثبات عاطفی است. ۲. سازگاری اجتماعی: نمره بالا بیانگر سلطه‌پذیری و عقب‌ماندگی و نمرات پایین نشان‌دهنده پرخاشگری است. ۳. سازگاری آموزشی: نمرات بالا نشان‌دهنده وضعیت درسی و تحصیلی ضعیف و نمرات پایین نشانگر علاقه‌مندی به تحصیل و مدرسه است. پرسشنامه به صورت دستی قابل نمره‌گذاری است. برای پاسخهایی که نشانگر سازگاری‌اند، نمره صفر داده می‌شود و در غیر این صورت، نمره یک منظور می‌شود. نمره کل پرسشنامه بیانگر سازگاری عمومی فرد است. با افزایش نمرات، میزان سازگاری کمتر و ناسازگاری بیشتر می‌شود. سؤالات ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۶۰ مربوط به حوزه سازگاری تحصیلی، سؤالات ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۵۹ مربوط به حوزه سازگاری اجتماعی و سؤالات ۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۴۹، ۵۲، ۵۵، مربوط به حوزه سازگاری عاطفی است. این پرسشنامه را سینه‌ها و سینگ در سال ۱۹۹۳ تدوین و کرمی در سال ۱۳۷۷ ترجمه و نگارش کرده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ سؤال است که به صورت بله و خیر طراحی شده است. دانش‌آموزان با سازگاری بالا را از دانش‌آموزان با سازگاری پایین در سه حوزه (اجتماعی، هیجانی، تحصیلی) جدا می‌کند. در این پرسشنامه برای پاسخهای نشانگر سازگاری در هر سه حوزه نمره صفر و در غیر این صورت نمره یک منظور می‌شود (زاهد و همکاران ۲۰۱۱). کرمی (۱۳۷۷) فرم نهایی این پرسشنامه را روی نمونه ۱۹۵۰ نفری (۱۲۰۰ پسر و ۷۵۰ دختر) از دانش‌آموزان دبیرستان که از ۴۰ دبیرستان به تصادف انتخاب شده بودند، اجرا کرده و به کمک داده‌های گردآوری شده، پرسشنامه را برای جمعیت هدف هنجاریابی کرده است. ضریب اعتبار پرسشنامه با روش دو نیمه کردن ۰/۹۵ و بازآزمون ۰/۹۳ و ضریب پایایی (کودر ریچاردسون ۲۰) ۰/۹۴ به دست آمده است.

● شیوه اجرا

این پژوهش به دلیل محدودیت ناشی از بیماری کرونا و عدم دسترسی حضوری به دانش‌آموزان نوجوان ۱۸-۱۴ سال در شهر تبریز از طریق فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) اجرا شده است.

به این ترتیب که ابتدا ریاست دانشگاه تبریز پژوهشگر را به اداره کل آموزش و پرورش معرفی کرده است. پس از آن از طرف اداره کل، طی نامه‌ای به مدیریت آموزش و پرورش ناحیه‌ها، سپس مدیریت هر یک از نواحی آموزش و پرورش طی نامه‌ای به مدیران مدارس نواحی مربوطه خواستار همکاری با پژوهشگر شده‌اند. پژوهشگر نیز با مراجعه به ۳۴ مدرسه دخترانه و پسرانه، لینک پرسشنامه را برای ارسال به گروه درسی نوجوانان در اختیار مدیر مدارس قرار داد ضمن آنکه اهداف پژوهش و دستورالعمل کوتاهی نیز در مورد نحوه پاسخ‌دهی به سؤالات در پرسشنامه الکترونیکی شرح داده شد. نوجوانان و مادران آنها که مایل به شرکت در پژوهش بودند با رضایت کامل و آگاهانه در گروه‌های درسی موجود در فضای مجازی وارد لینک پرسشنامه شده و به سؤالات مورد نظر پاسخ دادند و به این ترتیب اطلاعات مورد نظر گردآوری شده است. به منظور رعایت کردن ملاحظات اخلاقی در پژوهش، به افراد نمونه اطمینان داده شد که اطلاعات گردآوری شده مربوط به هویت آنها محرمانه خواهد ماند و در جایی منعکس نخواهد شد.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد ۳۶۶ نوجوان دانش‌آموز به همراه مادرانشان در این پژوهش شرکت کردند. ۲۴۵ نفر (۶۶/۲ درصد) آنها دختر و ۱۲۱ نفر (۳۲/۷ درصد) آنها پسر بودند. فراوانی بر حسب سن و مقطع تحصیلی نوجوانان شامل ۵۴ نوجوان ۱۴ ساله (پایه هشتم)، ۷۱ نفر ۱۵ ساله (پایه نهم)، ۸۸ نفر ۱۶ ساله (پایه دهم)، ۱۰۲ نفر ۱۷ ساله (پایه یازدهم) و ۵۱ نفر ۱۸ ساله (پایه دوازدهم) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش علاوه بر به‌کارگیری آمار توصیفی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است. میانگین و انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در جدول شماره ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سبک دل‌بستگی مادران	۳۸/۸۹۰۷	۶/۹۹۶۹۹
سبک دل‌بستگی ایمن	۱۳/۸۰۰۵	۳/۲۸۹۸۵
سبک دل‌بستگی ناایمن - اجتنابی	۱۳/۲۳۵۰	۳/۵۳۹۱۳
سبک دل‌بستگی ناایمن - دوسوگرا	۱۱/۸۵۵۲	۴/۸۲۷۲۴
سازگاری اجتماعی فرزندان	۵/۹۸۶۳	۳/۲۴۵۶۲
سازگاری تحصیلی فرزندان	۵/۱۶۵۳	۳/۳۵۸۸۷

براساس مندرجات جدول شماره ۱، بیشترین میانگین مربوط به متغیر سبک دلبستگی مادران و کمترین میانگین مربوط به سازگاری تحصیلی فرزندان است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	سبک دلبستگی	سبک دلبستگی ایمن	سبک دلبستگی اجتنابی	سبک دلبستگی دو سوگرا	سازگاری تحصیلی	سازگاری اجتماعی
سبک دلبستگی	ضریب همبستگی	۱				
	سطح معناداری					
سبک دلبستگی ایمن	ضریب همبستگی	۰۰/۴۲۴	۱			
	سطح معناداری	۰/۰۰۰				
سبک دلبستگی اجتنابی	ضریب همبستگی	۰۰/۳۵۶	۰۰/۵۰۹	۱		
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
سبک دلبستگی دو سوگرا	ضریب همبستگی	۰۰/۸۹۹	۰۰/۳۰۶	۰۰/۱۲۹	۱	
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳		
سازگاری تحصیلی	ضریب همبستگی	۰۰/۱۶۵	۰۰/۱۳۶	۰۰/۱۴۹	۰۰/۱۶۵	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۲	۰/۷۹۹	۰/۰۱	۰/۰۰۵	
سازگاری اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۰۵۷	۰۰/۱۰۶	۰۰/۱۳۴	۰/۰۵۷	۰۰/۵۳۲
	سطح معناداری	۰/۲۷۸	۰/۰۴۳	۰/۰۱	۰/۲۸۱	۰/۰۰۰

* $p \leq 0.05$ ** $p \leq 0.01$

براساس جدول شماره ۲، میان سبک دلبستگی مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد، زیرا ضریب همبستگی همه آنها در سطح $p \leq 0.01$ معنادار است. میان سبک دلبستگی ایمن مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه منفی و معنادار وجود دارد، زیرا با ضریب همبستگی (-0.10) و سطح معناداری (0.04) در سطح $p \leq 0.05$ معنادار است. میان سبک دلبستگی نایمن - اجتنابی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد، زیرا با ضریب همبستگی (0.13) و سطح معناداری (0.01) در سطح $p \leq 0.05$ معنادار است. میان سبک دلبستگی نایمن - اجتنابی مادران و سازگاری

تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد، زیرا با ضریب همبستگی (۰/۱۳) و سطح معنادار (۰/۰۱) در سطح $p \leq 0/01$ معنادار است. میان سبک دلبستگی ناایمن - دوسوگرای مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد، زیرا ضریب همبستگی آنها در سطح $p \leq 0/01$ معنادار است. برای بررسی رابطه میان متغیرها از روش ضریب همبستگی پیرسون به شرح جدول شماره ۲ استفاده شده است.

جدول ۳. بررسی چولگی و کشیدگی متغیر ملاک

فرآوانی	بیشترین	کمترین	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
سازگاری اجتماعی	۱۹	۱	۵/۹۸۶۳	۳/۲۴۵۶۲	۱/۰۲۱	۱/۱۲۰
سازگاری تحصیلی	۱۷	۰/۰۰	۵/۱۶۵۳	۳/۳۵۸۸۷	۰/۹۲۸	۰/۳۱۲

با توجه به (۱) فاصله‌ای بودن مقیاس متغیر ملاک، (۲) نرمال بودن توزیع متغیر ملاک: مندرجات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، چولگی (۱/۰۲۱) و کشیدگی (۱/۱۲۰) متغیر ملاک سازگاری اجتماعی و چولگی (۰/۹۲۸) و کشیدگی (۰/۳۱۲) متغیر ملاک سازگاری تحصیلی نشان می‌دهد که توزیع متغیر ملاک نرمال است، (۳) عدم همخطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین: مقدار vif از حد بحرانی (۲) عبور نکرده است و مقادیر $tolerance$ محاسبه‌شده به حد مطلوب (۱) نزدیک‌تر است. (۴) استقلال عوامل خطای متغیرهای پیش‌بین: مندرجات جدول ۴، نشان می‌دهد پیش‌فرض استقلال منابع خطای متغیرهای پیش‌بین محقق شده است، چرا که مقدار آزمون دوربین واتسون سازگاری اجتماعی (۱/۸۳) و براساس مندرجات جدول ۴ مقدار دوربین واتسون برای سازگاری تحصیلی (۱/۷۳۰) از دو حد بحرانی (۲/۵-۱/۵) خارج نشده است. پس پیش‌فرضها برای استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی بیشتر روابط محقق شده است.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون روابط ترکیبی متغیرهای پیش‌بین با سازگاری اجتماعی به روش همزمان

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ^۲	خطای برآورد استاندارد	F	df _۱	df _۲	Sig	Durbin-watson
سبک دلبستگی ایمن	سازگاری اجتماعی	۰/۰۲۴۰/۱۵۵	۳/۲۱	۲/۹۸	۳	۳۶۲	۰/۰۳	۱/۸۳	
سبک دلبستگی اجتنابی									
سبک دلبستگی دوسوگرا									

$p \leq 0/05$

بر اساس مندرجات جدول شماره ۴، همبستگی‌های ترکیبی متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک ۰/۱۵۵ است که با توجه به ضریب تعیین ۲٪ از واریانس یا تغییرات را به‌طور معناداری تبیین و تعیین می‌کند، چرا که F محاسبه شده ۲/۹۸ در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار است. با توجه به اینکه داده‌ها اعداد واقعی‌اند، از این رو عدد ضریب تعیین کم به‌دست آمده است.

جدول ۵. خلاصه تحلیل واریانس تغییرات ناشی از رگرسیون نمرات سازگاری اجتماعی به طرف متغیرهای پیش‌بین برای برازش مدل نظری با مدل اندازه‌گیری شده

مدل	منبع تغییرات	ss	df	ms	f	sig
همزمان	تغییرات ناشی از رگرسیون	۹۲/۷۰۶	۳	۳۰/۹۰۲	۲/۹۸۱	۰/۰۳
	تغییرات باقیمانده	۳۷۵۲/۲۲۵	۳۶	۱۰/۳۶۵		
	تغییرات کل	۳۸۴۴/۹۳۲	۳۶۵			

$p \leq ۰/۰۵$

بر اساس مندرجات جدول ۵، مدل اندازه‌گیری شده با مدل نظری برازش مطلوب دارد، چرا که شاخص $F(۲/۹۸۱)$ در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار است. یعنی براساس متغیرهای پیش‌بین می‌توانیم متغیر ملاک را پیش‌بینی و تبیین کنیم.

جدول ۶. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون روابط ترکیبی متغیرهای پیش‌بین با سازگاری تحصیلی به روش همزمان

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ^۲	خطای برآورد استاندارد	F	df _۱	df _۲	Sig	Durbin-watson
سبک دلبستگی ایمن	سازگاری تحصیلی	۰/۱۹	۰/۰۳	۳/۳۱	۳/۵۳	۴	۳۵۸	۰/۰۰۸	۱/۷۳۰
سبک دلبستگی اجتنابی									
سبک دلبستگی دوسوگرا									

$p \leq ۰/۰۵$

بر اساس مندرجات جدول شماره ۶، همبستگی‌های ترکیبی متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک ۰/۱۹ است که با توجه به ضریب تعیین ۳٪ از واریانس یا تغییرات را به‌طور معناداری تبیین و تعیین می‌کند، چرا که F محاسبه شده ۳/۵۳ در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار است.

جدول ۷. خلاصه تحلیل واریانس تغییرات ناشی از رگرسیون نمرات سازگاری تحصیلی به طرف متغیرهای پیش‌بین برای
برآزش مدل نظری با مدل اندازه‌گیری شده

مدل	منبع تغییرات	ss	df	ms	f	sig
همزمان	تغییرات ناشی از رگرسیون	۱۵۵/۲۰۸	۴	۳۸/۸۰۲	۳/۵۳۶	۰/۰۰۰۸
	تغییرات باقیمانده	۳۹۲۸/۸۷	۳۵۸	۱۰/۹۷۵		
	تغییرات کل	۳۶۲				

$p \leq 0/05$

براساس مندرجات جدول ۷، مدل اندازه‌گیری شده با مدل نظری برآزش مطلوب دارد، چرا که شاخص $F(3/536)$ در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است، یعنی براساس متغیرهای پیش‌بین می‌توانیم متغیر ملاک را پیش‌بینی و تبیین کنیم.

بحث و نتیجه‌گیری.....

تحلیل داده‌ها نشان داد که بین سبک دلبستگی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان نوجوان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش با پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۲۰)، کنی و دونالدسون (۱۹۹۱)، کارن و همکاران (۲۰۲۱) و حیدری و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی داشت. با توجه به نتایج پژوهش بین سبک دلبستگی ایمن مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همان‌طور که در پرسشنامه سازگاری سینه‌ها و سینگ نمرات بالا نشان‌دهنده ناسازگاری و نمرات پایین نشان‌دهنده سازگاری بهتر است، مادرانی که سبک دلبستگی ایمن داشتند، فرزندانشان نمرات کمتری را در پرسشنامه سازگاری اجتماعی کسب کردند که نشانه سازگاری اجتماعی بهتر است. همچنین بین سبک دلبستگی ناایمن - اجتنابی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد. مادرانی که سبک دلبستگی ناایمن - اجتنابی داشتند، فرزندانشان در سازگاری اجتماعی نمرات بالایی کسب کردند که نشانه ناسازگاری آنها در این حوزه است. این یافته‌ها را می‌توان چنین استنباط کرد که عوامل اجتماعی مهمی در بروز سازگاری نقش دارند که یکی از این عوامل، حساسیت و پاسخ‌دهی مراقبان به نیازهای کودک در دوران کودکی است که منجر به تشکیل سبک‌های دلبستگی در کودک می‌شود که پیوند یا گره‌های هیجانی پایدار میان دو فرد است. براساس دیدگاه بالبی ماهیت روابط مادر - کودک در این دوران یکی از عوامل محوری در شکل‌گیری شخصیت کودک است. یافته‌های تجربی نشان می‌دهند که ایجاد دلبستگی

ایمن به چهره دلبستگی در دو سال اول زندگی با قابلیت معاشرت بالا با دیگر بزرگسالان، ارتباط با همسالان و تنظیم مؤثرتر هیجانات مرتبط است (اینزورث^۱ و همکاران، ۱۹۷۸). از سویی نیز دلبستگی نایمن پیش از دوسالگی با قابلیت معاشرت کمتر، روابط اندک با همسالان، علایمی از خشم و خودکنترلی پایین‌تر در سالهای پیش‌دبستانی و بعد از آن رابطه دارد (کارلسون و اسرولف^۲، ۱۹۹۵). نظریه دلبستگی، چارچوبی محکم برای فهم ظرفیت فرد در ارتباط با دیگران و توسعه روابط حمایتی به عنوان منابع مقابله ارائه می‌کند (ملینکروت^۳، ۲۰۰۰). افراد با سبک دلبستگی ایمن در بزرگسالی توانایی مؤثر در برقراری روابط میان-فردی مطلوب دارند. اعتماد ایجاد شده در فرایند شکل‌گیری و رشد صحیح دلبستگی بین کودک و مراقب اولیه او، به فرد کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف وجودی خود را بپذیرد و با آگاهی به ابعاد مختلف شخصیت خود مقصود غایی زندگی خود را مشخص و برای رسیدن به آن پیگیرانه تلاش کند (میکولینسر و شیور^۴، ۲۰۱۰؛ به نقل از خانجانی، ۱۳۹۴). شکل‌گیری ویژگیهای مربوط به سبک دلبستگی ایمن مثل سازگاری مناسب و انعطاف‌پذیری در برابر تجارب هیجانی و تحمل رویدادهای استرس‌زا در افراد، آنها را به سمت سازگاری هدایت می‌کند و به‌عکس افرادی که سبک دلبستگی نایمن-اجتنابی دارند، با حفظ فاصله هیجانی از دیگران و دوری از رویارویی با استرس‌ها نمی‌توانند خود را انطباق دهند و ناسازگارند و طبق نظریه «انتقال بین نسلی» این الگوها را به فرزندان خود انتقال می‌دهند و در میزان سازگاری آنها نقشی مؤثر ایفا می‌کنند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که میان سبک دلبستگی مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و این یافته با پژوهشهای حیدری و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی دارد. بین سبک دلبستگی نایمن-اجتنابی و سبک دلبستگی نایمن-دوسوگرای مادران و سازگاری تحصیلی فرزندان نیز رابطه معناداری وجود دارد. از این یافته‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که از نظر بالبی میان تجارب دوران کودکی فرد از والدین خود و رفتار والدینی بعدی او رابطه و پیوستگی وجود دارد. براساس این نظریه کودکان از راه همانندسازی با والدین الگوهای رفتاری که خود در دوران کودکی با والدین خود تجربه کرده‌اند به رابطه خود با فرزندان منتقل می‌کنند. به این ترتیب الگوهای تعاملی سالم و ناسالم از طریق خرده‌فرهنگهای خانوادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. (استیل^۵ و همکاران، ۱۹۹۶). آن پیوند عاطفی، پناهگاه بیرونی ایجاد شده با رشد کودک، در وجودش درونی می‌شود و کودک این احساس امنیت روانی را با خود

1. Ainsworth
2. Carlson & Sroufe
3. Mallinckrodt
4. Mikulincer & Shaver
5. Steele

به محیط‌های اجتماعی همچون مدرسه می‌برد و از آن در راستای بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی سود می‌جوید. از این طریق توان فرد برای رویارویی با چالش‌های شناختی ارتقا می‌یابد و پشتکار و جدیت او برای کسب جایگاه‌های علمی تضمین می‌شود. بنابراین، رشد سائق‌ها و تأمین دیگر نیازها در دوران کودکی معمولاً از طریق پیشرفت تحصیلی خود را نمایان می‌سازد (شارپ^۱، ۲۰۰۴؛ به نقل از درستکارمقدم و همکاران، ۱۴۰۰). در نتیجه مادران با سبک دلبستگی ناایمن - اجتنابی که از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب می‌کنند و همچنین باوجود درگیری شدید و رابطه سرد و بدون صمیمیت میان خود و فرزندشان، مشکلات میان-فردی رو به رشد را با گذشت زمان در آنها ایجاد می‌کنند، این عوامل با بی‌نظمی و درگیری فرزندان در گروه‌های همسالان و سازگاری ضعیف در مدرسه همراه است. با توجه به اینکه نوجوانان در سن بلوغند و با مسائل و مشکلات و تنش‌های ناشی از بلوغ از جمله مشکلات سازگاری، هیجانی مواجه‌اند و از آنجا که پیشرفت تحصیلی و سازگاری تحصیلی نیازمند آرامش و جو خانواده دور از تنش و رابطه گرم و صمیمی با اعضای خانواده است، بنابراین، مادران ناایمن/اجتنابی که نمی‌توانند روابط نزدیک، گرم و حمایت‌کننده در خانه ایجاد کنند این عامل با ناسازگاری در مدرسه و با صلاحیت اجتماعی کمتر در روابط دوستانه و با همسالان مرتبط است.

در ضمن با توجه به اینکه مادران با سبک دلبستگی ناایمن - دوسوگرا در روابط عاطفی خود با دیگران انحصارگر و وابسته‌اند (فینیو نولر، ۱۹۹۰؛ به نقل از خانجانی، ۱۳۹۴) و همواره نگران طردشدگی‌اند، با دلبستگی شدید به دیگران سعی در کاهش اضطراب جدایی خود دارند. آنها به عواطف منفی خود نسبت به تجارب دلبستگی دوران کودکی هشیارند و در نتیجه از اضطراب و احساس درماندگی خود نیز آگاه‌اند (میکولینسر و همکاران، ۱۹۹۰؛ به نقل از خانجانی، ۱۳۹۴). همچنین این افراد در موقعیتهای پیش‌آمده احساس خطر می‌کنند و آن را فراتر از کنترل خود می‌دانند و به تنهایی توان مقابله با خطرات را ندارند و همیشه خود را نسبت به آنچه روی می‌دهد ناتوان می‌بینند و درماندگی در آنها افزایش می‌یابد. افراد با دلبستگی ناایمن که از کودکی راه‌حل عبور از بحران را گوشه‌گیری و اجتناب و یا مقابله سرسختانه با شرایط یافته‌اند، به لحاظ شناختی انعطاف‌پذیری پایینی برای بررسی محیط از جنبه‌های مختلف دارند و دستیابی به گزینه‌های دیگر را خارج شدن از بحران می‌دانند (ماسودا و تالی^۲، ۲۰۱۲). این مادران بر اساس نظریه انتقال میان-نسلی، سبک دلبستگی و همچنین احساس درماندگی خود را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به فرزندان منتقل می‌کنند و در مقابل رسیدن فرزندان به اهداف ارزشمند و بالفعل کردن تواناییهای درونی آنها مانع ایجاد می‌کنند. سبک‌های دلبستگی همیشه موجود و در سراسر چرخه زندگی

1. Sharpe
2. Masuda & Tully

فعال‌اند، به‌این‌معنا که سوابق روابط عاطفی کودک با مراقب خود پیامدهای بلندمدتی را ایجاد می‌کند که آثارش تا سنین بزرگسالی نیز به چشم می‌خورد (گودوین^۱، ۲۰۰۳). بنابراین فرزندان این درمادگی آموخته‌شده ناشی از سبک دلبستگی مادر را در تحصیل تجربه می‌کنند، نسبت به یادگیری نگرش منفی دارند، از انجام دادن تکالیفشان سرباز می‌زنند و علاقه‌ای به چالشهای جدید نشان نمی‌دهند، اطمینان خود را از دست داده‌اند و به ناتوانی خود اذعان می‌کنند و توان حرکت و خلاقیت از آنها سلب و به موجودی بی‌حرک، خنثی و فاقد معیار تبدیل می‌شوند. اگر آنها این باور غلط را تعمیم دهند، به این نتیجه می‌رسند که مهارتهای لازم را برای حل کردن مسائل زندگی ندارند.

▲ پیشنهادهای کاربردی ▲

باتوجه به تأثیر سبک دلبستگی مادران بر سازگاری اجتماعی و تحصیلی فرزندان، حرکت موفقیت‌آمیز در این زمینه، در نظر گرفتن و به مرحله اجرا در آوردن راهکارهای مفید مانند برگزاری جلسات آموزشی، طراحی برنامه‌ها از سوی دست‌اندرکاران حوزه سلامت و روان و رسانه‌ها می‌تواند سبب افزایش آگاهی افراد درباره رابطه مادر-کودک و تأثیر ویژگیهای مادر بر فرزندان و فنون فرزندپروری، بهبود رابطه مادر-کودک و آگاهی از تأثیر آن به‌منزله شالوده رفتار و هیجانات و روابط در بزرگسالی و حل مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی جامعه شود. نتایج پژوهش حاضر به دلیل بهره‌گیری از نمونه‌گیری در دسترس قابل تعمیم به کل جامعه آماری نیست. در پژوهشهای آتی می‌توان این خلأ تحقیقاتی را پر کرد و بیشتر مورد بررسی قرار داد.

1. Goodwin

- اسعدی، سمانه؛ امیری، شعله و مولوی، حسین. (۱۳۹۵). تحول شناختی از دوره نوجوانی تا بزرگسالی: عملیات انتزاعی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۳ (۵۰)، ۱۲۱-۱۳۱.
- برک، لورا. (۱۳۹۵). *روانشناسی رشد (نوجوانی تا پایان زندگی)*، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسالان. گزارش طرح پژوهشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- حیدری، فاضله؛ فلاحی، وحید و حاجیلو، جلیل. (۱۳۹۷). نقش شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی سازگاری دانش‌آموزان با مدرسه. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۷ (۱)، ۱۳۸-۱۵۱.
- خالدی‌جمع، حمدالله. (۱۴۰۲). بررسی سازگاری در بین دانش‌آموزان. *مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۵ (۵۶)، ۲۵۵-۲۶۷.
- خانجانی، زینب. (۱۳۹۴). تحول و آسیب‌شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی. تهران: نشر فروزش.
- درستکارمقدم، حسین؛ درتاج، فریبرز و فرخی، نورعلی. (۱۴۰۰). نقش میانجیگری اشتیاق تحصیلی در رابطه علی سبک‌های دلبستگی با فرسودگی تحصیلی دانشجویان. *دوماهنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۲ (۱)، ۱۶۸-۱۸۵.
- درور، زینب؛ قادری، علی؛ حمیدی، زهرا و حسینی، مهدی. (۱۳۹۴). نقش فرهنگ تربیتی خانواده در چگونگی تشکیل شخصیت اجتماعی کودکان در مدرسه. *اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران*، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- رایس، فیلیپ. (۱۳۸۷). *رشد انسان: روانشناسی رشد از تولد تا مرگ*، ترجمه مهشید فروغان. تهران: نشر ارجمند (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۲۲).
- سینها، ای. کی. بی. و سینگ، آر. بی. (۱۹۹۳). *راهنمای پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی*، ترجمه ابوالفضل کرمی. تهران: مؤسسه روان تجهیز سینا.
- شجری، خدیجه و حجازی، مسعود. (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگوایی خلقی در دانش‌آموزان دختر شهر زنجان. *راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی*، ۶ (۲)، ۳۸-۲۵.
- شرودر، کارولین، اس. و گوردون، بتی، ان. (۱۳۸۴). سنجش و درمان مشکلات دوران کودکی، ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: نشر دانژه (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۲).
- عابدی، احمد و عریضی‌سامانی، حمیدرضا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی آنان. *خانواده پژوهی*، ۱ (۲)، ۱۳۹-۱۴۷.
- کاوندی، زینب و صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۹۱). سازگاری میان فرهنگی؛ پدیده‌ای مطرح ولی دور از نظر. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۵ (۱۳)، ۳۴-۱۵.
- منصور، محمود. (۱۳۹۵). *روانشناسی ژنتیک (جلد اول)*. تهران: انتشارات سمت.

- Ainsworth, M. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Amato, P. R., & Fowler, F. (2002). Parenting practices, child adjustment, and family diversity. *Journal of Marriage and Family*, 64(3), 703-716.
- Baker, R. W., & Siryk, B. (1984). Measuring adjustment to college. *Journal of Counseling Psychology*, 31(2), 179-189.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1p2), 1-103.

- Broderick, P. C., & Jennings, P. A. (2012). Mindfulness for adolescents: A promising approach to supporting emotion regulation and preventing risky behavior. *New Directions for Youth Development*, (136), 111-126.
- Bronfenbrenner, U. (1979). Contexts of child rearing: Problems and prospects. *American Psychologist*, 34(10), 844-850.
- Bogensneider, K., Wu, M. Y., Raffaelli, M., & Tsay, J. C. (1998). Parent influences on adolescent peer orientation and substance use: The interface of parenting practices and values. *Child Development*, 69(6), 1672-1688.
- Carlson, E. A., & Sroufe, L. A. (1995). *Contribution of attachment theory to developmental psychopathology*. New York: Wiley.
- Chen, X., Liu, M., & Li, D. (2000). Parental warmth, control, and indulgence and their relations to adjustment in Chinese children: A longitudinal study. *Journal of Family Psychology*, 14(3), 401-419.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Crowell, J. A., & Feldman, S. S. (1988). Mothers' internal models of relationships and children's behavioral and developmental status: A study of mother-child interaction. *Child Development*, 59(5), 1273-1285.
- Curran, T., Meter, D., Janovec, A., Brown, E., & Caban, S. (2021). Maternal adult attachment styles and mother-child transmissions of social skills and self-esteem. *Journal of Family Studies*, 27(4), 491-505.
- Estrada, P., Arsenio, W. F., Hess, R. D., & Holloway, S. D. (1987). Affective quality of the mother-child relationship: Longitudinal consequences for children's school-relevant cognitive functioning. *Developmental Psychology*, 23(2), 210-215.
- Ford, M. E. (1982). Social cognition and social competence in adolescence. *Developmental Psychology*, 18(3), 323-340.
- Gerdes, H., & Mallinckrodt, B. (1994). Emotional, social, and academic adjustment of college students: A longitudinal study of retention. *Journal of Counseling & Development*, 72(3), 281-288.
- Goodwin, I. (2003). The relevance of attachment theory to the philosophy, organization, & practice of adult mental health care. *Clinical Psychology Review*, 23(1), 35-56.
- House, J. S., Landis, K. R., & Umberson, D. (1988). Social relationships and health. *Science*, 241(4865), 540-545.
- Kerns, K. A., & Stevens, A. C. (1996). Parent-child attachment in late adolescence: Links to social relations and personality. *Journal of Youth and Adolescence*, 25(3), 323-342.
- Kenny, M. E., & Donaldson, G. A. (1991). Contributions of parental attachment and family structure to the social and psychological functioning of first-year college students. *Journal of Counseling Psychology*, 38(4), 479-486.
- Ladd, G. W., & Pettit, G. S. (2002). Parenting and the development of children's peer relationships. In M. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: Practical issues in parenting* (Vol. 5, pp. 269-309). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Li, J. B., Guo, Y. J., Delvecchio, E., & Mazzeschi, C. (2020). Chinese adolescents' psychosocial adjustment: The contribution of mothers' attachment style and adolescents' attachment to mother. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(8-9), 2597-2619.
- Mallinckrodt, B. (2000). Attachment, social competencies, social support, and interpersonal process in psychotherapy. *Psychotherapy Research*, 10(3), 239-266

- Masuda, A., & Tully, E.C. (2012). The role of mindfulness and psychological flexibility in somatization, depression, anxiety, and general psychological distress in a nonclinical college sample. *Journal of Evidence-Based Complementary & Alternative Medicine*, 17(1), 66-71.
- Noller, P., & Callan, V. (2015). *The adolescent in the family*. Routledge.
- Parke, R. D., & O'Neil, R. (1999). Social relationships across contexts: Family-peer linkages. In W. A. Collins, & B. Laursen (Eds.), *Relationships as developmental contexts. The Minnesota Symposia on Child Psychology*, (Vol. 30, pp. 211-239). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Reed-Victor, E. (2004). Individual differences and early school adjustment. Teacher appraisals of young children with special needs. *Early Child Development and Care*, 174(1), 59-79.
- Roeser, R. W., Eccles, J.S., & Sameroff, A. J. (1998). Academic and emotional functioning in early adolescence: Longitudinal relations, patterns, and prediction by experience in middle school. *Development and Psychopathology*, 10, 321-352.
- Segrin, C., McNelis, M., & Swiatkowski, P. (2016). Social skills, social support, and psychological distress: A test of the social skills deficit vulnerability model. *Human Communication Research*, 42(1), 122-137.
- Steele, H., Steele, M., & Fonagy, P. (1996). Associations among attachment classifications of mothers, fathers, and their infants. *Child Development*, 67(2), 541-555.
- Sun, S., Guan, Y., Qin, Y., Zhang, L., & Fan, F. (2013). Social support and emotional-behavioral problems: Resilience as a mediator and moderator. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 21(1), 114-118.
- Tan, L., & Martin, G. (2015). Taming the adolescent mind: A randomised controlled trial examining clinical efficacy of an adolescent mindfulness-based group programme. *Child and Adolescent Mental Health*, 20(1), 49-55.
- Umberson, D., & Montez, J. K. (2010). Social relationships and health: A flashpoint for health policy. *Journal of Health and Social Behavior*, 51(1, Suppl), S54-S66.
- Weissberg, R. P., & Greenberg, M. T. (1998). School and community competence-enhancement and prevention programs. In W. Damon, I. E. Sigel, & K. A. Renninger (Eds.), *Handbook of child psychology: Child psychology in practice* (5th ed., pp. 877-954). John Wiley & Sons, Inc.
- Zigler, E., & Trickett, P. K. (1978). IQ, social competence, and evaluation of early childhood intervention programs. *American Psychologist*, 33(9), 789-798.

The Relationship between Mothers' Attachment Style and their Teenagers' Social and Academic Adjustment*

■ P. Soltanpour¹ ■ J. Babapour Kheiruddin, Ph.D.² ■ Z. Khanjani, Ph.D.³

Abstract

The present research sought to investigate the relationship between mothers' attachment style and their teenagers' social and academic adjustment. This study had a correlational-descriptive design. The statistical population of the study was comprised of all adolescent girls and boys aged 14 to 18 years in Tabriz and their mothers in 2021. Convenience sampling method was used and 366 students (245 girls & 121 boys) were selected. The research instruments included Adult Attachment Inventory (AAI, Besharat, 2005) and Adjustment Inventory for School Students (AISS, Sinha and Singh, 1998). Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and simultaneous multiple regression. Results demonstrated that: 1) There was a significant relationship between mothers' secure attachment style and adolescents' social adjustment ($p \leq 0.05$). 2) There was a significant relationship between the insecure/avoidant attachment style of mothers and adolescents' social adjustment ($p \leq 0.05$). 3) There was a significant relationship between the insecure/avoidant attachment style of mothers and adolescents' academic adjustment ($p \leq 0.01$). 4) There was a significant relationship between the insecure/ambivalent attachment style of mothers and adolescents' academic adjustment ($p \leq 0.01$). According to these results, it can be concluded that mothers who have a secure attachment style, their children have higher social cognition as well as higher social adjustment, while mothers who have insecure attachment style, their children have lower social and academic adjustment. The type of attachment style of mothers can play an important role in the attachment style of children as well as their behavioral, emotional and social status in later years.

Keywords: attachment style, social adjustment, academic adjustment

Date received: May 17, 2022

Date accepted: Oct. 7, 2022

* This article is derived from the first author's Master's Thesis.

1. M.A. in General Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Iran.

E-mail: Parisasp9324@gmail.com

2. **Corresponding Author:** Professor of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Iran.

E-mail: j_babapour@tabrizu.ac.ir

3. Professor of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Iran.

E-mail: dr.khanjaani@gmail.com